



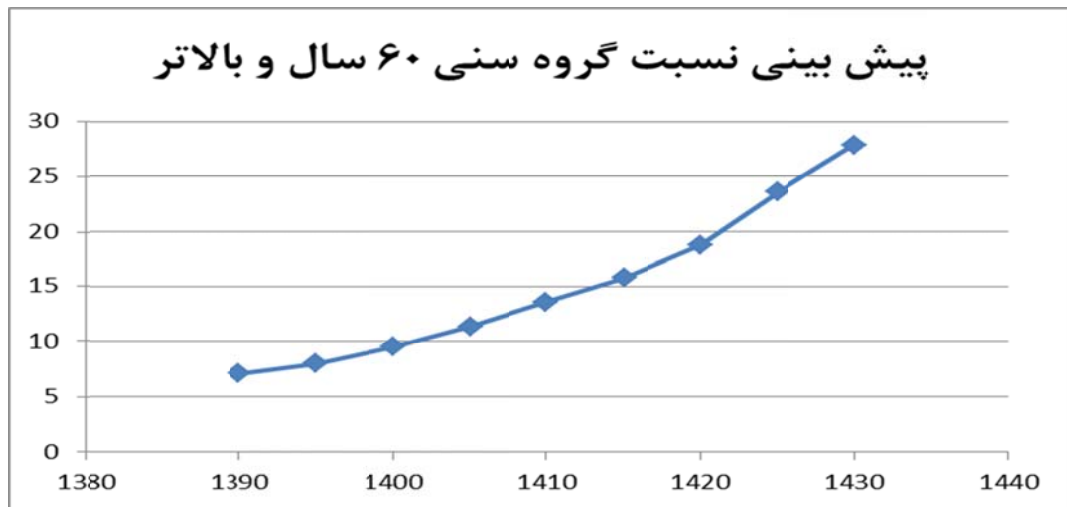
ایران و بحران سالمندی

ایران سالخورده می‌شود

سالمندی به فرایندهای آرام و پنهان زیست شناختی اطلاق می‌گردد که با افزایش سن سبب تغییرات مخربی در ساختارهای بدن شده و موجب کاهش عملکرد آنها می‌شود در مورد سن به اوج رسیدن این فرایندها اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. از سال ۱۹۹۹، کمیسیون جمعیت و توسعه سازمان ملل شصت سالگی را به عنوان آستانه سالمندی در نظر گرفته است که هر روز افراد بیشتری در جهان به آن می‌رسند. منظور از سالمندی جمعیت، افزایش نسبت تعداد افراد ۶۰ ساله و بیشتر به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر ۱۵ سال است که به دو دلیل اصلی صورت می‌گیرد. یکی به دلیل کاهش نرخ باروری (متوسط تعداد فرزندان یک خانواده) که موجب کاهش جمعیت زیر ۱۵ سال می‌شود و دیگری افزایش متوسط طول عمر و امید به زندگی که تعداد افراد بالای ۶۰ سال را بیشتر خواهد کرد.

در این بین کشور ما هم در معرض سالمند شدن می‌باشد. بطوری که اگر نرخ باروری تا سال ۱۴۳۰ میزان فعلی وضعیت رشد سالمندی سیر صعودی خواهد داشت.

و این بدان معنی است که تا سال ۱۴۳۰، حدود ۳۰٪ جمعیت را افراد مسن تشکیل خواهند داد.



آینده سالمندی ایران در مقایسه با جهان

طبق آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۱۲، کشور ایران در سال ۲۰۵۰ میلادی (۱۴۳۰ شمسی) جزء پیرترین کشورها و از میانگین سنی جهان، آسیا، آمریکا، کانادا، آمریکای لاتین و رژیم صهیونیستی هم پیرتر خواهد بود. این در حالیست که در زمان انتشار این آمار (۲۰۱۲)، کشور ما با نسبت سالمندی ۸/۱ جزء جوانترین کشورها بوده است.

از آنجا که در جامعه‌ی سالمند نسبت افراد در سن باروری به شدت کاهش می‌یابد به‌طوری که دیگر نمی‌تواند کاهش جمعیت ناشی از مرگ و میرهای جامعه را جبران نماید این موضوع علاوه بر کاهش جمعیت با ایجاد یک دور معیوب، سبب کاهش بیشتر نسبت متولدین و تشدید مشکل سالخوردگی در جامعه شده و تحدید نسل را دچار ضعف شدید می‌نماید.

پیامدهای سالمندی جمعیت

تامین اجتماعی و بیمه بازنشستگی

از پیامدهای منفی سالمندی جمعیت، افزایش بار تکفل جامعه می‌باشد. ازدیاد انبوه بازنشستگانی که سهم تولیدی آنها تقریباً صفر است فشارهای اقتصادی زیادی به دولت وارد می‌کند زیرا نسبت سالخوردگان به جمعیت در سنین کار افزایش خواهد یافت و از سویی، شمار افراد مستمری بگیر بازنشسته و از سوی دیگر شمار افراد سالمند نیازمند به حمایت بالا خواهد رفت. این دو عامل موجب خواهد شد که بار مالی صندوق‌های بیمه بازنشستگی افزایش یافته و به احتمال زیاد موجب بروز بحران‌های مالی شود. به عبارت دیگر درحالی‌که میزان نیروی کار در سالهای آینده کاهش می‌یابد، تعداد مستمری بگیران روند افزایشی خواهد داشت که این مسئله از یکسو موجب کاهش منابع دریافتی صندوق (حق بیمه‌ها) و از سوی دیگر موجب افزایش مصارف صندوق می‌گردد. این امر ممکن است اتخاذ راهکارهایی مانند افزایش سن بازنشستگی و یا کاهش میزان بیمه بازنشستگی را ضروری سازد و به دنبال آن نارضایتی بیمه شدگان و مشکلات و بحران‌های اجتماعی و سیاسی را موجب شود.

#



اقتصاد

با سالمند شدن جمعیت به علت کاهش تعداد متوسط فرزندان خانواده‌ها، کشور با یکی از مهم ترین پیامدهای منفی اقتصادی یعنی کاهش نیروی کار که از آن به عنوان جمعیت فعال یاد می شود، روبرو خواهد شد. در نتیجه از شمار مالیات دهندگان در سطح کلان و حق بیمه پردازها در سطح خرد کاسته می شود و موجب کاهش درآمد دولت و همچنین درآمد صندوق های بیمه به ویژه سازمان تامین اجتماعی خواهد شد. از طرف دیگر کاهش نیروی کار و افزایش افراد مصرف کننده، کاهش تولید ناخالص داخلی را موجب می شود و آنگاه اثرات منفی بسیاری به دنبال خواهد داشت که از جمله می توان کاهش صادرات محصولات صنعتی، افزایش واردات، کاهش ذخایر ارزی و در نتیجه افزایش بدهی های خارجی را پیش بینی کرد.



LI FENG / CHINA DAILY

بهداشت، درمان و نگهداری

بخش بزرگی از فشارهای سالخوردگی جمعیت مربوط به هزینه‌هایی است که جامعه باید برای حفظ سلامتی سالمندان صرف کند محققین ایرانی با توجه به تجارب کشورهای دیگر در زمینه هزینه های سالمندی در مورد افزایش تصاعدی این هزینه ها در ایران هشدار داده اند. افزایش این هزینه سرباری از آن جهت وضعیت وخیم تری می یابد که جمعیت فعال انگیزه کمتری برای نگهداری از سالمندان دارند و مخارج درمانی سالمندان بالاتر از کودکان است. باید در نظر داشت که شکاف نسلی و گسست فرهنگی هم به این موضوع دامن می زند.

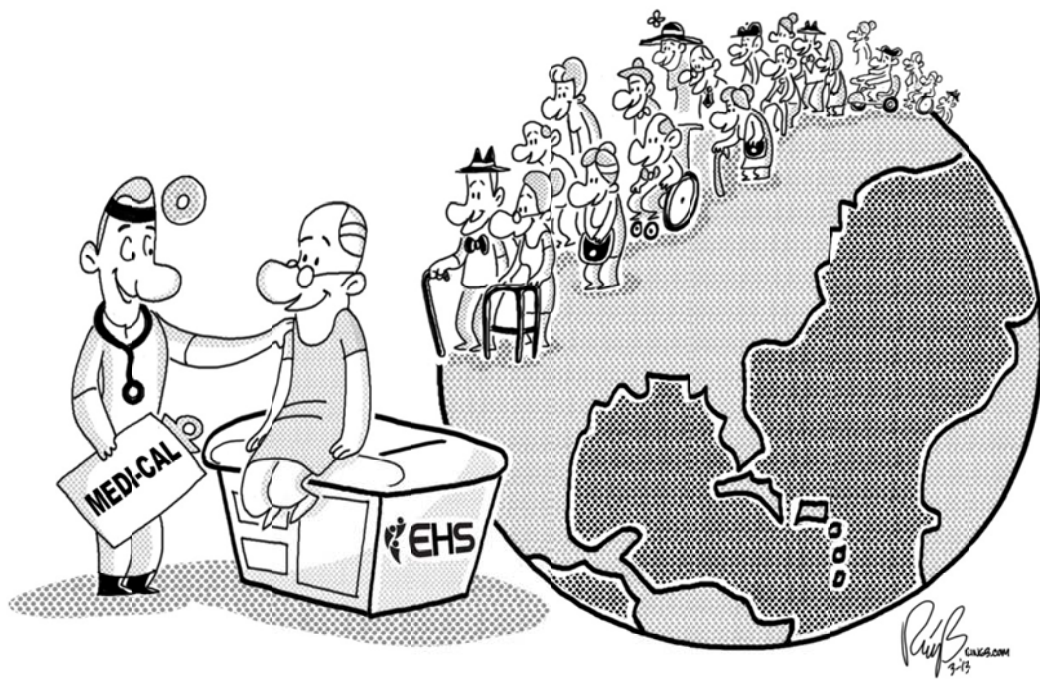
از آنجا که نسل جوان وظیفه حمایت نسل سالمند را برعهده دارد، عدم تعادل ایجاد شده در سالهای آتی باید یکی از بزرگترین نگرانی های سیاستگذاران و دولتمردان باشد. در شرایط فعلی با وجود اینکه هر پدر و مادر پیری از نسل گذشته معمولاً تعداد ۴ تا ۶ فرزند دارند، به سختی مورد حمایت و مراقبت قرار می گیرند. حال باید تصور کرد که والدین در خانواده هایی که یک یا دو فرزند دارند در سالهای آینده چگونه تحت حمایت قرار خواهند گرفت؟ علاوه بر این، با افزایش تعداد سالمندان، میزان هزینه های درمانی و تامین اجتماعی نیز افزایش می یابد که مضاف بر محدودیت های منابع می باشد. یافته ها نشان می دهند در مورد مراکز، تا سال ۱۴۳۰ به سه برابر تخت های بیمارستانی، پنج برابر مراکز فیزیوتراپی و چهار برابر آزمایشگاه های موجود در ایران، نیاز خواهد بود. از طرفی تا آن سال ایران به تربیت سالیانه چند صد متخصص طب سالمندی، هزاران میلیارد ریال برای درمان فقط سالمندان دیابتی و بخشی بزرگ از بودجه جاری برای آموزش های پیشگیرانه نیاز خواهد داشت.

اجتماعی

وقتی درصد افراد مسن در جامعه ای افزایش یابد به موازات آن علاقه به محافظه کاری بیشتر و نوعی وابستگی به سنت های اجتماعی پیدا می شود. پیدایش محافظه کاری و مقاومت در برابر تغییرات، موجب درجا زدن و عقب ماندگی می شود. همچنین ریسک پذیری در چنین سببی کاهش یافته و ما با جامعه ای که در ابداع و پذیرش نوآوری و اصلاحات، از خود ضعف نشان می دهد روبرو خواهیم شد. نباید فراموش کنیم که رشد علمی و نوآوری ها و موفقیت های امروز کشورمان در عرصه دانش و ورزش و تولید به دلیل کثرت نسل فعلی جوان است و با کاهش نسبت جوانان، تداوم این توفیقات بعید خواهد بود. همچنین سالمندان دارای انتظارات خاص خود هستند که از آن جمله می توان به ارزش دادن به جایگاه و منزلت آنها، ارج نهادن به تجربیاتشان، فراموش نشدن و توقع عشق و تعلق خاطر به آنها در قبال یک عمر زحماتشان اشاره کرد که حتی در صورت تأمین نیازهای اقتصادی، همچنان باقی است و باید مورد توجه جدی در ساختارهای جدید اجتماعی قرار گیرد.

کشاورزی

بدیهی است که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی، به عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی، در کشور ما به مجموعه ای از نیروهای خلاق، آموزش پذیر، ریسک پذیر، پویا، شاداب و ... نیاز است. این ویژگی ها نیز اغلب در جوانان بسیار بیشتر از سالمندان وجود دارد. شاغلان در بخش کشاورزی در سال های اخیر به طور قابل ملاحظه ای به سالخوردگی گراییده اند. مهاجرت روستا به شهر از مهم ترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی در کنار کاهش نرخ باروری است و درصد اشتغال جوانان در این بخش بسیار پایین می باشد مهمترین نتایجی که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت عبارت است از: کاهش بهره وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، وابستگی کشور به مواد غذایی و نیاز به واردات این مواد از خارج، عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین، نداشتن خلاقیت و ...



امنیت

جمعیت یک کشور با قدرت دفاعی و امنیت آن کشور در ارتباط است. هرچند به دلیل پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید ابزار و ادوات جنگی به وجود آمده، توجه به ساختار جمعیت در موضوع امنیت ملی به نسبت سال‌های گذشته کم‌رنگ‌تر شده است، ولی همچنان این موضوع -به خصوص برای کشور ما که دارای موقعیت خاص سیاسی است- اهمیت بالایی دارد.

به عبارت دیگر، جمعیت و ساختار آن به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های قدرت ملی به حساب می‌آید، زیرا پوشش مرزهای جغرافیایی نیازمند نیروهای جوان است و پیری جمعیت تهدیدی جدی برای امنیت کشور محسوب می‌شود. امروزه در جنگ‌های مدرن تعداد افراد جمعیت کشور نه تنها از جنبه تولید نیروی نظامی مشکل و فعال مهم است، بلکه به عنوان پشتیبان نیروهای نظامی و تکیه‌گاه قدرتمند ارتش ملی در دفاع از خانه و کاشانه، تجهیز ارتش و تغذیه آن و بسیج ملت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

